

شی: سرنیزه هارپون / Harpoon Heads

محل نمایش: گالری سوم، موزه برادران امیدوار

پژوهشگر: سیده کبری پارساسادات

عکس: جواد نجفعلی زاده

در زیر نویس تصویر صفحه ۳۰۲ کتاب سفرنامه برادران امیدوار آمده است

"مردان اسکیمو برای شکار حیوانات آبی، ابتدا حفره ای روی یخ های خلیج قطب ایجاد می کنند. در حالیکه حیوانات دریایی برای خارج شدن از آب به روی سطح یخ تلاش می کنند مورد هدف "هارپون" نیزه اسکیمو قرار می گیرد."

همچنین در متن صفحه ۳۰۲ کتاب سفرنامه برادران امیدوار آمده است

"حالا شتاب داشتیم که هرچه زودتر برای شکار گراز دریایی حرکت کنیم، زیرا عاج آن حیوان به دردمان می خورد، اما متاسفانه آن شب کولاک شدیدی وزیدن گرفت و خواب را از چشمان ربود، اگرچه هر وقت دوستان اسکیموی خود را نگاه می کردیم، می دیدیم که غرق خوابند و خروپف شان با صدای کولاک در هم آمیخته و سکوت مدهش شبانه را در هم می زند، از بیرون ایگلو هم جز صدای کولاک برف و زوزه سگ ها صدای دیگری به گوش نمی رسید...وه! که چه منظره عجیبی بود، انسان را به اندیشه هایی فرو می برد؟

به هر حال ما آن جا را به عنوان قرارگاه خود انتخاب کردیم و یک روز بعد که هوا کمتر انقلاب داشت دسته های سگ را آماده ساخته و به راه افتادیم.

حالا در روی یخ های خلیج هودسن سفر می کردیم، و هر قدر به مرکز خلیج نزدیکتر می شدیم بر اثر جریان چرخش آب قطر یخ ها نازک تر می شد، و به همین سبب عازم قسمت های مرکزی خلیج هودسن شدیم تا جایی که یخ ها نازک تر شده برای شکار مناسب می باشد، به شکار پردازیم. در حالی که شش ساعت تمام روی آب هایی منجمد به سوی شمال پیش می رفتیم ناگهان املق و سیک سیک ایستاده گوش های خود را روی یخ گذاشته، و به صدای حیواناتی که بی تردید در زیر یخ ها بودند گوش سپردند حتی تصور این کار برایمان غیر قابل درک بود، آخر آن ها چگونه می توانستند از روی یخ های قطور قطبی صدای حیوانات را شنیده و آن ها را بشناسند؟ اما وقتی که یقین کردند آن جا نقطه ی مناسبی برای شکار است درنگ را جایز ندیده و به تندی با نیزه های خود حفره ای کردند چون این چاله پس از یک متر به آب رسید و دوستان ما اطمینان یافتند که گراز و یا خوک های آبی با مشاهده انعکاس نور برای تنفس از چاله بالا خواهند آمد، اما چون این کار هم نیاز فراوانی به صبر و حوصله و شکیبایی داشت، پس از آن که در لب چاله دیواری برفی احداث کردند با نیزه های خود "حاضر یراق" در پشت آن دیوار برفی پنهان شده و به کشیک پرداختند!

عاقبت پس از یک ساعت و نیم انتظار در هوای منقلب و توفان زده، خواب همه ما تعبیر شد و یک خوک

آبی عظیم برای تنفس بیرون آمد، و دوست اسکیموی هم نامردی نکرد و با قدرت و شدت بسیار نیزه ی خود را به بدن حیوان فرو برد، اما از آن جا که نیزه به جای کاری مانند مغز اصابت نکرد جنگ سختی و خونینی میان حیوان و انسان آغاز شد، تا به جایی که خوک آبی نزدیک بود فرار کند و حتی توانست املق را هم با خود به درون چاله بکشاند، اما چون زندگی در آن سرزمین سپید یعنی تلاش دایم برای معاش! و شکار یک حیوان برای آنان مفهومی حیاتی دارد، چرا که در آن جا گندم و ذرت و سبزی برای تغذیه نیست و تنها ماده ی غذایی گوشت است و بس!

بالاخره املق از فرار خوک آبی جلوگیری کرد، و چون نیزه اسکیموها به انتهای یک ریسمان محکم چرمی متصل می باشد املق زانوان و شانه هایش را به لبه ی حفره تکیه داده و با تمامی قوایش به آن جنگ ادامه داد و جنگید و جنگید، سیک سیک، هم از کشیک در روی چاله دست برداشت و به کمک او شتافت، و آن وقت دو نفری خوک خسته و مجروح را بیرون کشیده و با شتاب شکم او را که بیش از صدکیلوگرم وزن داشت پاره کردند، زیرا اگر عجله نکنند بدن گرم حیوان در برابر شدت سرما منجمد می شود، اصولاً اسکیموها عادت دارند همین که شکاری به دست آوردند فوراً شکمش را پاره کرده، سپس جگر و دل و سایر قسمت هایی از گوشت آن را که در نظرشان لذیذ است خام خام می خورند و بعد به شکار ادامه می دهند. "

معرفی شی

سرنیزه موجود در موزه از نوع نیزه هارپون دو شاخه / Two flue harpoon ساخته شده از فلز مربوط به اسکیموهای قطب شمال یکی از دستاوردهای سفر برادران امیدوار می باشد. هارپون دو شاخه به طور کلی از یک دسته چوبی ، سرنیزه فلزی و طناب از جنس چرم حیوانات، ساخته می شوند که در بعضی از آن ها طناب مستقیم به سر نیزه متصل می شود.

سرنیزه هارپون، ابزار ویژه شکار موجودات دریایی با اینکه دقیقاً زمان اختراع آن مشخص نیست اما ریشه آن به دور اسکیموها / Eskimo، چوکچی / Chukchi و ... برمی گردد.

نیزه هارپون / Harpoon یا آکچ یک ابزار نیزه مانند است که در ماهی گیری، وال گیری، فُک گیری و دیگر شکارهای دریایی به کار می رود تا ماهی های بزرگ یا پستانداران دریایی بزرگ مثل نهنگ ها را بگیرند. این کار با پرتاب نیزه به سوی حیوان مورد هدف و مهار کردن آن با نوک منحنی نیزه انجام می شود و به ماهی گیر اجازه می دهد از طناب یا زنجیر متصل به انتهای پرتابه بهره ببرد تا جانور را بگیرد. هارپون دو مجرایبی سلاح اولیه برای وال گیری در جهان بوده اما معمولاً فقط در لایه نرم بیرونی نفوذ می کرده از این رو نهنگ معمولاً می توانسته با تقلا یا دور شدن از سرنیزه فرار کند. این عیب در اوایل قرن نوزدهم با خلق آکچ یک مجرایبی اصلاح گردید، با حذف یکی از مجراها، سر آکچ باریک شد و راحتتر به ژرفا رخنه می کرد.